طوفان‌الاقصی آرمان فلسطین و غربگرایان داخلی

علی قاسمی

عملیات طوفان‌الاقصی، از زوایای مختلف همچنان قابل تامل و صدالبته درس‌آموز است. یکی از سطوح بررسی درحوزه جریان‌شناسی، با هدف تحلیل رفتار غربگرایان داخلی است. ازاین‌رو نوشتار حاضر تحلیل رفتار و بررسی اهداف جریان غربگرای داخلی را پیرامون عملیات طوفان‌الاقصی و مقاومت غزه، مورد توجه قرار می‌دهد:

جماعت غربگرای داخلی یا همان لیبرالیسم ایرانی، نیروی تحت امر «تجدد غربی» در ایران است. حیات سیاسی این جماعت در وابستگی به اجنبی است. در این طیف از عمامه‌به‌سر، یقه سفید ریش‌دار، وزیر و مدیر، استاد دانشگاه، روشنفکر کراواتی تا جاسوس‌خبرنگار نفوذی وجود دارد. این جریان آگاهانه و برخی جاهلانه در مسیر تامین منافع غرب در ایران گام برمی‌دارد. ازاین‌منظر همزمان با عملیات طوفان‌الاقصی در سرزمین‌های اشغالی، این جریان در ایران نیز دچار غافلگیری و در شوک فرو رفت.

از آنجایی‌که نان این جماعت در همراهی با غرب است؛ از همان ابتدا در پازل آمریکا و اسرائیل قرار گرفته و برخی عناصر فعال و نشریات وابسته‌شان، به‌جای حمایت از مردم مظلوم فلسطین، ناجوانمردانه در سمت اشغالگران کودک‌کش ایستادند. این آش- بخوانید انتقاد از مقاومت و جانبداری از اسرائیل- به‌قدری شور بود که صفحات منتسب به رژیم صهیونیستی و برخی رسانه‌های مزدور، از برخی پیام‌ها و مطالب عناصر غربگرای داخل، برای تایید جنایات خود بهره‌برداری نمودند. برای مثال در همان روزهای ابتدائی نبرد غزه، «وب‌سایت صدای آمریکا» مطالب روزنامه شرق و هم‌میهن را مورد توجه قرارداد و با استناد به تحلیل‌های نشریات زنجیره‌ای، سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در دفاع از جبهه مقاومت را هزینه‌ساز و نامعقول دانست.

رویکرد ابتدائی عناصر غربگرا در فضای مجازی و روزنامه‌های زنجیره‌ای، ناصواب دانستن حمله به اسرائیل، هزینه‌سازی مقاومت برای ایران و منطقه، جابه‌جانمایی ظالم و مظلوم و خرید احساس برای رژیم کودک‌کش صهیونیستی بود. دیری نپایید که این سیاست غربگرایان با رفتارهای جنون‌آمیز رژیم صهیونیستی در کشتار جنگی زنان و کودکان بی‌گناه غزه و اعتراض ملت‌های آزاده دنیا بی‌اعتبار شد و بعد از حملات پیاپی اسرائیل به منازل مسکونی و بیمارستان‌های غزه، این سیاست تغییر پیدا کرد.

جماعت غربگرا برای جلوگیری از روسیاهی در برابر ملت بیدار ایران و خشم سایر ملت‌های آزاده جهان، با نقاب دفاع از آرمان فلسطین، اکنون وارد جنگ شناختی- ادارکی جدیدی شده است.

در این رویکرد، غربگرایان به‌ظاهر مدافع فلسطین‌اند، اما عملاً «بی‌گفتمانی و بی‌عملی» را تجویز می‌کنند. این روی دیگر همان سکه‌ای است که در فتنه ۸۸ از سوی غربگرایان ضرب شد. آری این نوای جدیدی از همان شعار قدیمی«نه غزه و نه لبنان» است. درحقیقت جریانی که در فتنه ۸۸ شعار «نه غزه؛ نه لبنان» سر داده بود و در هر بزنگاهی جانب اپوزیسیون برانداز بوده است، اکنون خود را مدافع فلسطین می‌خواند و با ژست دفاع از مظلوم، به‌دنبال آن است تا کنش میدانی و گفتمانی مقاومت در منطقه را متوقف سازد.

از این‌منظر عناصر سرشناس و قلم به‌دستان این جریان، در رویکردی نرم و مرموز، با کژروایت و تصویرسازی غلط، تحریف واقعیت و انحراف در افکار عمومی را در دستورکار داده‌اند. این خط مرموز، همان جریانی است که در خلال برجام، تحدید سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران را دنبال می‌کرد. خلع سلاح و متوقف‌سازی مقاومت را مورد هدف داشت و اکنون همان افرادی که ذوب در گفتمان غرب هستند و مجاهده خالصانه و عالمانه حاج قاسم در میدان را مخل دیپلماسی می‌دانستند و تاب‌آوری قدرت دفاعی ایران قوی را چند دقیقه توصیف می‌کردند، اکنون با ادبیاتی صدالبته عجیب و شاید مشکوک، درحال تشکیک در راهبرد دفاع فعال مقاومت هستند.

این طیف فکری وابسته به غرب، در کشاکش مقاومت جانانه مردم مظلوم فلسطین، با القای خستگی به قلب تپنده جبهه مقاومت، تضعیف محور مقاومت، ناامیدی مبارزان در میدان، ایجاد دوقطبی در داخل و اختلال در نظام محاسبات مسئولین را دنبال می‌کند. لذا تکرار ادبیاتی با مضمون خستگی مردم، عدم توان مقابله دفاعی و بیهودگی مقاومت در برابر قدرت‌های جهانی، همان کژروایتی است که بارها از سوی این کج‌اندیشان بزدل و شاید مزدور اطلاعاتی مطرح شده است. این خط مرموز، درست در زمانی که آثار درماندگی و شکست غیرقابل ترمیم بر پیکره رژیم جعلی عارض و آشکار شده است؛ تشکیک در افکار عمومی و تردید در قلوب ملت را پیگیری می‌کند. چراکه رژیم صهیونیستی اکنون در شرایط بحران بقا قرار دارد و تنگ شدن حلقه مقاومت به‌مثابه تیر خلاص بر پیکر این موجود نامشروع در منطقه است.

در حقیقت رویکرد غربگرایان آن هم در این مقطع حساس، دقیقا بخشی از سیاست آمریکا، انگلیس و اسرائیل است که اجرای آن از سوی سیا، ام‌آی ۶ و موساد در حال پیگیری است و برخی عناصر غربگرا آگاهانه مشغول اجرای ماموریت هستند و برخی جاهلانه از روی ترس آب به آسیاب دشمن می‌ریزند.

این همان قرائن و شواهدی است که صدای دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی ما را درآورده است. «مراقب نفوذ در همه سطوح نظام باشید». رهبری نیز بارها هشدار لازم پیرامون «نفوذ جریانی» را داده‌اند. این نفوذ جریانی شوخی‌بردار نیست و حلقه کنش آن از وزیر و کبیر گرفته تا عکاس خبرنگارهای جاسوس که ذیل فرهنگ غرب، جیره‌خواری می‌کنند و ماموریت زنجیره‌ای برای عقب‌زدن مقاومت و نجات اسرائیل را دارند.

درحال حاضر جریان غربگرای داخلی، از یک پیروزی قطعی- که نظم غربی جهان را به چالش کشیده است- به‌دنبال ایجاد چالش برای جمهوری اسلامی است و عملا راهبرد «بازدارندگی فعال مقاومت» را مورد هدف دارد. تبارشناسی تاریخی غربگرایان داخلی نیز نشان از آن دارد که این جریان علی‌رغم شعارهای وطن‌پرستی و ایران‌دوستی، در اتخاذ مواضع و آرایش سیاسی همواره در جهت تامین منافع غرب و ضدمنافع ایران قرار داشته است. در حقیقت این جماعت سربازان نیروی تجدد غربی هستند که در مقاطع حساس داخلی و خارجی در سمتی می‌ایستد که غرب ایستاده است و اکنون در شرایط پرحادثه منطقه و جهان-که نویدی بر نظم جدید جهانی است- هر رویداد و روندی که جایگاه غرب را متزلزل سازد، برنمی‌تابد.

پشت‌پرده تعطیلی شبکه من و تو

پس از طوفان‌الاقصی، شبکه جنگ روانی موساد دچار اختلال شده و بسیاری از صفحات، اکانت‌ها و پروژه‌های محوری آن با اخلال روبه‌رو شده است.

به گزارش مشرق، نخستین دقایق میلادی ۲۰۲۳ برای ایرانیان با یک عملیات سایبری آغاز شد؛ پیام مشترک ۶ چهره خارج‌نشین که به بهانه سال جدید میلادی منتشر شد حامل پیامی مستقیم برای معرفی رهبران و سمبل‌های آشوب‌های پاییزی در سال ۱۴۰۱ بود.

ترکیب این رهبران اما بیش از همه عمق ابتذال عمل سیاسی را برای افرادی که رویای براندازی را در سر می‌پرورانند عیان کرد.

فرزند شاه مخلوع و فراری، علی کریمی فوتبالیست، حامد اسماعیلیون، مسیح علی‌نژاد و ۲ بازیگر زن (گلشیفته فراهانی و نازنین بنیادی) با رونمایی از این ائتلاف مجازی خود را به‌عنوان رهبران براندازی معرفی کردند. این گروه مدتی بعد به «گروه همبستگی» معروف شد.

عملیات براندازی خارج‌نشینان در شرایطی با یک توئیت مشترک آغاز به کار کرد که تمام فراخوان‌های ضدانقلاب تا پیش از آن به صحنه شکست و رسوایی‌شان تبدیل‌شده بود؛ از این‌رو صحنه‌گردان اصلی اغتشاشات(سازمان سیا) سعی کرد با رونمایی از چنین نمایش مضحکی تقلایی برای موضوعیت بخشی به جریان آشوب پیدا کند؛ اما این ائتلاف سایبری خیلی زودتر از تصورات شکسته شد و اتحاد مصنوعی ضدانقلاب خیلی زودتر ازآنچه تصور می‌شد به پایان رسید.

چاقوکشی خیابانی
فرجام یک کودتای آمریکایی

آمریکایی‌ها بعد از روی کار آمدن دولت بایدن به این جمع‌بندی راهبردی رسیدند که در بسیاری از پرونده‌های خارجی با شکست روبه‌رو شده‌اند و دلیل آن اقدامات ایران و مدیریت رهبر انقلاب بوده است؛ این شکست‌ها باعث شده جایگاه بین‌المللی آمریکا تحت‌الشعاع قرار گیرد، لذا ایران باید بهای آن را بپردازد.

بنابراین به سمت بازنویسی نسخه فشار حداکثری ترامپ از جنس دموکرات‌ها (جنگ ترکیبی) ذیل راهبرد مهار و محدودسازی جمهوری اسلامی حرکت نمودند، ترتیب دادن اغتشاشات محله محور و استفاده از تمام ظرفیت ضدانقلاب بخشی از این سناریو بود؛ اما گروهک‌های اغلب خارج‌نشین و دنباله‌های داخلی آن‌ها آن‌چنان با یکدیگر در تضاد بودند که حتی چسب اتحاد آمریکایی‌ها در دو نشست جورج تاون و دانشگاه استنفورد نیز نتوانست آن‌ها را به یکدیگر وصل کند!

سطح اختلافات به‌جایی رسید که سمپات‌های گروهک منافقین با هواداران جریان سلطنت‌طلب در خیابان‌های برخی کشورهای اروپایی به جان هم افتاده و برای هم چاقوکشی کردند، این اختلافات باعث شد تا گروه واتساپی براندازی متشکل از لیدرهای آشوب پاشیده شده و عناصر آن‌یکی پس از دیگری آن را ترک کنند.

اختلاف میان ضدانقلاب در سطحی قرار گرفت که دولت‌های غربی که قرار بود از گروه براندازی به‌عنوان آلترناتیو جمهوری اسلامی استفاده کنند ناامید شده و پایان اغتشاشات را به‌صورت رسمی اعلام کنند. یرواند آبراهامیان از مدرسین جنگ نرم در یک گفت‌وگوی قابل‌تأمل با یورو نیوز مطالبی را مطرح کرده است که تحلیل جالبی از آشوب‌ها را ارائه می‌دهد و در بخشی از آن درباره ناامیدی کشورهای غربی از ضدانقلاب گفته است: «من فکر می‌کنم حضور شاهزاده جوان یا هر چیز دیگری که می‌توان اسمش را گذاشت به‌عنوان رهبر، باعث تضعیف اعتراضات و تقویت [جمهوری اسلامی] خواهد شد. چراکه مردم خواهند پرسید اعتبار دموکراتیک و سکولار او از کجا آمده؟ من مطمئن نیستم که مردم به‌صرف بیان گفته‌هایی چون مدارا با مخالفان یا پافشاری بر فرآیند انتخابی و رأی مردم، چنین چیزهایی را بپذیرند.»

اندیشکده آمریکایی بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها (FDD) که نقش مهمی در شکل‌دهی سیاست خارجی واشنگتن در قبال ایران دارد در ۲۳ می۲۰۲۲ (۲ خرداد ۱۴۰۱)، یعنی نزدیک به چهار ماه قبل از اغتشاشات اخیر و در بحبوحه اغتشاشات پراکنده به افزایش قیمت‌ها در گزارشی با عنوان «اعتراضات در ایران اوج گرفته، دولت بایدن می‌تواند کمک کند» به دولت و مقامات آمریکا توصیه می‌کند این نوع اعتراض‌ها را جدی بگیرند و از آن‌ها حمایت کنند؛ اما همین موسسه ضدایرانی دو ماه قبل در گزارشی نوشت که تنها راه مهار ایران گفت‌وگوی سخت با جمهوری اسلامی ایران است، منظور از گفت‌وگوی سخت پروژه‌ای است که مسیر دسترسی ایران به منطقه را کم می‌کند.

فرجام ضدانقلاب در شب اول ژانویه

با آغاز اغتشاشات در ایران ضدانقلاب با انتشار یک بیانیه تفضیلی بانام «منشور مهسا» سعی کرد سطح وحدت خود را افزایش دهد، این جزوه توسط رضا پهلوی، حامد اسماعیلیون (نماینده منافقین) مسیح علی‌نژاد؛ نازنین بنیادی، عبدالله مهتدی (رهبر گروهک تروریستی کومله) و علی کریمی امضا شده و توسط شیرین عبادی تنظیم و تدوین‌شده بود؛ اما بیان برخی موارد عجیب چون دادن حق تجزیه ایران به برخی گروهک‌ها از جمله ضدانقلاب کردی باعث ایجاد انشقاق شدید میان تجزیه‌طلبان و ملی‌گرایان سکولار با لیدرهای سازمان سیا شد، منشور مهسا به‌شدت دارای ادبیات نزدیک به نفاق داشته از این‌رو با واکنش شدید از جانب برخی همکاران شبکه ضد انقلاب روبه‌رو شد.

ازجمله شهرام همایون گرداننده یک شبکه تلویزیونی سلطنت‌طلب می‌گوید که امیدی به اپوزیسیون خارج از کشور نمی‌شود داشت، اینکه می‌گویند صدای شما را ما به دنیا برسانیم، در دوره ناصرالدین‌شاه که زندگی نمی‌کنیم، در دوره دیجیتال زندگی می‌کنیم. تمام اتفاقاتی که در ایران می‌افتد پیش از ما، کاخ سفید، سازمان‌های امنیتی و دولت‌های مختلف از آن خبردارند و اگر عکس‌العملی نشان نمی‌دهند به دلیل این است که منفعتی در آن نمی‌بینند. این موضوع را برای همیشه پرونده‌اش را ببندید که ما قرار است صدای مردم باشیم. خاک بر سر کاخ سفیدی که بخواهد امروز در عصر دیجیتال صدای شما را از زبان من بشنود!

برگزاری نشست با شتاب‌دهندگان مالی آشوب در دانشگاه استنفورد با عنوان «پروژه گذار» تلاش دیگری از جانب غربی‌ها برای القای کسب اعتبار بیشتر اجتماعی برای ضدانقلاب بود که باز هم به نتیجه دلخواه نرسید! در این نشست بنیاد آمریکایی هور به‌صورت علنی اعلام می‌کند که به‌عنوان شبکه مادر در آشوب‌های پاییزی حضور داشته است. بر اساس پروژه گذار قرار بود تمامی رده‌های مختلف از نیروهای مؤثر روشنفکری، سلبریتی‌های هنری، چهره‌های ورزشی (هولیگانیسم) و عناصر سیاسی با یکدیگر ائتلاف کنند.

نکته جالب توجه آن‌که رضا پهلوی از حضور در نشست گذار انصراف داده تا پازل هماهنگی میان ضدانقلاب در کمتر از چند ساعت از درون دچار فروپاشی شود!

یاسمین پهلوی همسر رضا ربع پهلوی نیز پس از برگزاری نشست گذار در استنفورد حامد اسماعیلیون را متهم به همکاری با گروهک تروریستی منافقین کرده و می‌گوید: برای من روشن نیست چرا آقای اسماعیلیون وقت این جلسه را صرف دادخواهی برای خانواده‌های مجاهدین می‌کند. من فکر می‌کنم آقای اسماعیلیون باید روی موضوع خانواده‌های قربانیان انقلاب مهسا امینی تمرکز کند.

شکست پروژه سازمان سیا در یک شب!

اندکی پس از این افشاگری‌های عجیب پنج گروه ضدانقلاب رسماً از منشور مهسا انشعاب کرده و اعلام می‌کنند که دیگر حاضر به همکاری با اتاق براندازی سازمان سیا نبوده و درخواست حمایت مستقل از سوی آمریکایی‌ها می‌کنند. اتحاد جمهوری‌خواهان ایران، جبهه ملی ایران ـ اروپا، حزب چپ ایران (گروهک تروریستی فدائیان خلق)، سازمان‌های جبهه ملی ایران در خارج از کشور و جمهوری‌خواهان ایران پنج گروه سیاسی بودند که با عبور از منشور براندازی مهسا طرح جدیدی با عنوان «همگامی» را مطرح کرده‌اند، بهروز خلیق عضو سابق گروهک تروریستی فدائیان خلق در این نشست اعلام کرده است نویسندگان منشور براندازی تک‌روی کرده و سایر عناصر ضدانقلاب در خارج را حذف و بایکوت کرده‌اند.

همزمان با افزایش درگیری‌ها در اردوگاه ضدانقلاب، به ناگهان امیرعباس فخرآور نیز در یک لایو اینستاگرامی مصی علینژاد را متهم به دزدی کرده و اعلام می‌کند که این فرد دزد است و حتی برای زندانی که نرفته درخواست ۵۰۰ میلیون دلار کرده تا از پول‌های بلوکه شده مردم ایران به او بدهند.

افشاگری‌های ضدانقلاب علیه یکدیگر باعث می‌شود، لشگر رباتی و فحاش که در طی ۱۰۰ روز اغتشاشات پاییزی جهت عملیات روانی فعال‌شده بود، این بار شروع به عملیات داخلی برای تسویه درونی کند.

درحالی‌که تیم سایبری نزدیک به منافقین با پروموت کرده مسیح علینژاد و حامد اسماعیلیون علیه سلطنت‌طلبان فعال‌شده و عملیات تخریبی علیه رضا ربع پهلوی را آغاز می‌کنند، از آن‌سو سلطنت‌طلبان نیز برای گرفتن انتقام سایبری از طیف نزدیک به منافقین دست به‌کار شده این مسئله باعث می‌شود تا نازنین بنیادی بازیگر هالیوودی و پرستوی جنسی تام کروز صفحه خود در توئیتر را تعلیق کرده و از اتوبوس ضدانقلاب پیاده شود. نازنین بنیادی به داشتن نظریات تند ایرانی معروف بود؛ ازجمله آنکه اعلام کرده بود که برای پیروزی اغتشاشات باید ایران را با تحریم شدید شیمی‌درمانی کرد! در نهایت این درگیری‌ها باعث شد تا حامد اسماعیلیون از چهره‌های ضدانقلاب در خارج از کشور با انتشار یک بیانیه‌ای اعلام کرد که از اتوبوس براندازی پیاده شده است، مهره منافقین در این اطلاعیه اعلام کرده است که به دلیل رفتار «گروه فشار» از شورای همبستگی استعفا کرده است. البته مدتی بعد معلوم شد که سفر پهلوی به مناطق اشغالی و دیدار با نتانیاهو باعث اختلاف میان ضدانقلاب شده و برخی رضا پهلوی را متهم به تک‌روی و سفر به اسرائیل بدون هماهنگی با سایر اعضا کردند.

مأموریت ویژه اتاق ایران چگونه شکست خورد؟

آمریکایی‌ها برای راه انداختن جنگ ترکیبی سه‌گام در نظر گرفته بودند و برای هرکدام از شاخه‌های ضدانقلاب مأموریتی ویژه تهیه‌کرده بودند. این مأموریت در اتاق ویژه ایران در لندن طراحی شده و به شاخه‌های مختلف گروهکی ابلاغ می‌شد. در این پروژه شورای همبستگی نقش لیدری داشت.

پلن یک: ایجاد فضای اعتراضی نسبت به فوت خانم امینی، دامن زدن به اعتراض جماعت ناراضی و تولید فضای احساسی و تردید برای همراه‌سازی اقشار خاکستری و همسو (با استفاده از به کارگیری ظرفیت رسانه‌های ضد ایرانی فارسی‌زبان در خارج از کشور، شبکه سلبریتی‌ها و شهروند رسانه‌ها)

پلن دو: کشاندن فضای اعتراض به اغتشاش با تلاش برای اعتصاب روزانه و اغتشاش شبانه و فعال شدن جریان‌ها و گروه‌های غیرهمسو. (فراخوان‌های صادرشده توسط گروه همبستگی و سران فتنه سال ۸۸)

پلن سوم: تبدیل فضای اغتشاش به حرکت مسلحانه با فعال شدن گروه‌ها و تیم‌های مسلح در محیط اغتشاش‌ها با تعرض به اماکن و نیروهای نظامی و انتظامی و کشته‌سازی. (استفاده از ابزارهای گروهک‌های تروریستی چون منافقین و احزاب کردی)

بر اساس پروژه گذار قرار بود تمامی رده‌های مختلف از نیروهای مؤثر روشنفکری، سلبریتی‌های هنری، چهره‌های ورزشی و عناصر سیاسی با یکدیگر ائتلاف کنند و این سه پلن مجزا از یکدیگر با یکدیگر متصل شده و یک انقلاب نیمه سخت را به مردم ایران تحمیل کنند.

ریچارد نفیو (کارشناس وزارت خارجه آمریکا و معمار تحریم‌ها در دولت اوباما) در جلسه کنگره در پاسخ به پرسشی درباره بحث تغییر رژیم در ایران می‌گوید: «سیاست تغییر به‌صورت خبری وجود ندارد تا چه رسد به مرحله اجرائی. چالش اصلی جمهوری اسلامی ایران کارآمدی است نه مشروعیت. تغییر رژیم آرزویی است که نه آمریکا توانمندی آن را دارد و نه زمینه پیاده‌سازی آن در ایران به هر شکلی (نظامی، کودتا، انقلاب رنگی) وجود دارد. دموکرات‌ها معتقدند علاوه بر افزایش فشار اقتصادی در کنار آن نقش گروه‌های داخلی و تقویت و هدایت آن‌ها ذیل توسعه حقوق مدنی و پروژه نفوذ و ارتباط‌گیری با جامعه نخبگانی و دانشگاهی ضروری است.»

در چنین شرایطی آمریکایی‌ها به سمت طراحی و پیاده‌سازی نقشه خود حرکت کردند که در آن، مشغول کردن همزمان ایران به طیفی از بحران‌های داخلی، تأمین مالی گروه‌های خارجی، تحریک اقوام، القاء ناکارآمدی نظام، تداوم فشارها و تحریم‌ها، قریب‌الوقوع نشان دادن حمله نظامی و انزوای گسترده‌تر سیاسی بود. در واقع چارچوب نقشه آن‌ها ساخت یک ایران ضعیف بود که دچار فروپاشی شده و ضدانقلاب به‌عنوان آلترناتیو در آن مطرح می‌شود.

البته عدم شناخت دقیق دشمن از وضعیت کشور باعث شکست پروژه گذار شد، این شکست امنیتی در سطحی بود که در یک جلسه چهارجانبه میان مسئولان رده‌بالای سرویس‌های جاسوسی خارجی در یک کشور در حاشیه خلیج‌فارس، یکی از اعضا اعلام کرده است که اطلاعات آمریکایی‌ها از سطح اغتشاشات در ایران غلط بوده و حالا هر حرکتی علیه ایران می‌تواند تبدیل به یک خطر امنیتی علیه کشورهای همکار با آشوب‌ها شود! در این جلسه یکی از مقامات امنیتی کشورهای اطراف ایران خطاب به مقام غربی می‌گوید مگر نمی‌گفتید با شروع اعتراضات جمعیت میلیونی به خیابان‌های تهران می‌آیند؟ پس چرا نیامدند و ما فقط وارد صحنه شدیم و الان نگران هستیم که ایران اقدامات ما را تلافی کند.

شبکه جنگ هیبریدی موساد تعطیل شد

با آغاز طوفان‌الاقصی در روز هفت اکتبر مقاومت اسلامی ضربه ترمیم‌ناپذیری به ساختار اطلاعاتی، سیاسی، نظامی رژیم صهیونیستی وارد کرد، حجم این زلزله هشت ریشتری به حدی بود که رژیم جعلی اسرائیل دچار فلج عصبی سخت شده و قدرت تصمیم‌سازی را به‌صورت کامل از دست بدهد. سندرم امنیتی جدید در مناطق اشغالی باعث شد تا مدیریت ادراکی و میدانی صهیونیست‌ها در اختیار آمریکایی‌ها قرارگرفته و تنها به‌عنوان سربازان میدانی به کار گرفته شوند. این تغییر و تحولات باعث شده است تا برخی پروژه‌های مرتبط با سازمان‌های اطلاعاتی رژیم صهیونیستی دچار اختلال گردد.

بررسی آماری نشان می‌دهد که پس از طوفان‌الاقصی شبکه جنگ روانی موساد دچار اختلال شده و بسیاری از صفحات، اکانت‌ها و پروژه‌های محوری آن با اخلال روبه‌رو شده است. برخی با مشکل مدیریت محتوا روبه‌رو بوده و تعدادی دیگر با اخلال در تأمین مالی روبه‌رو شده است. در برخی دیگر از موارد نیز فشار برای تغییر مدیریت باعث انحلال این دست پروژه‌ها شده است، ازجمله می‌توان به شبکه من و تو اشاره کرد که در روزهای اخیر با فشار شدید برای تغییر در مدیریت شبکه روبه‌رو بوده است، تا جایی که خبر رسیده که منابع مالی این شبکه قطع شده و تا زمانی که مدیران آن استعفا نکنند پرداخت جدیدی از سوی آمریکایی‌ها به آن‌ها صورت نخواهد گرفت.

این فشار از بیرون باعث شد تا این شبکه در یک اطلاعیه مبهم اعلام کند که به فعالیت‌های خود پایان خواهد داد. برخی معتقدند که این بیانیه با هدف فشار رسانه‌ای به مدیریت جدید در مناطق اشغالی(آمریکایی‌ها) و گرفتن منابع مالی جدید صورت گرفته و برخی دیگر از کارشناسان نیز معتقدند که این پروژه به دلیل بی‌مصرفی و عدم اقبال جامعه ایرانی به محصولات مبتذل به ته خط رسیده است.

پیش از این شبکه تروریستی اینترنشنال نیز با انتقال از لندن به واشنگتن تغییر مدیریت داده است، این شبکه در حال حاضر تنها اخباری را منتشر می‌کند که مربوط به مسئله تجزیه ایران است، گفته شده است که کیوان عباسی مدیر شبکه من و تو با طرح تولید محتوا روی خط شبکه تروریستی اینترنشنال مخالف بوده است و معتقد است که پروژه براندازی و تجزیه ایران را باید به صورت فرهنگی پیش برد و نه سیاسی!

کیوان عباسی بارها به صورت علنی از تریبون دادن به عناصر تجزیه‌طلب و منافقین در شبکه تروریستی اینترنشنال انتقاد کرده و معتقد بود که جنگ رسانه‌ای- سایبری را باید در بستر تولیدمحتوای مبتذل، جنسیتی و زرد پیش برد تا مخاطب بیشتری جذب شود، این اختلافات به ذائقه مدیران آمریکایی در موساد خوش نیامده و عذر این مهره سوخته را خواسته‌اند.

شبکه من و تو که به زرد نویسی در فضای رسانه معروف است و مأموریت آن پمپاژ افسردگی در داخل بوده است، از سال ۲۰۱۶ تراز منفی مالی داشته است تا جایی که در سال ۲۰۱۸ نزدیک به ۹۵ میلیون پوند بدهی داشته و تنها ۳ میلیون پوند درآمدزایی کرده بود. این اختلاف مالی توسط رژیم صهیونیستی جبران شده و حالا پس از طوفان‌الاقصی مدیریت جدید تنها در شرایطی راضی به پرداخت مجدد است که مدیران شبکه تغییر کنند، طبق برآوردها شبکه من و تو در ده سال اول فعالیت خود نزدیک به ۶۰۰ میلیون دلار هزینه داشته است. شبکه من و تو همراهی ویژه‌ای نیز نسبت به سلطنت‌طلبان و فرقه ضاله بهائیت دارد، اما پس از اغتشاشات اخیر با رضا ربع پهلوی دچار اختلاف نظر عمیق شد، با وجود اینکه شبکه من و تو به صورت در بست در طول اغتشاشات پاییزی در اختیار خاندان پهلوی بود، اما کیوان عباسی در یک توئیت جالب توجه، شوری براندازی در دانشگاه جورج تاون را «سیرک براندازی» خوانده بود، این دست اختلافات باعث شد تا رضا پهلوی در سفر به مناطق اشغالی خواهان بودجه رسانه‌ای مجزا برای راه‌اندازی یک شبکه جدید از دولت نتانیاهو شود؛ این کینه دو طرفه پس از طوفان‌الاقصی حسابی سر باز کرده است.

حذف من و تو از صحنه جنگ هیبریدی پیام‌هایی روشن در خود دارد، البته این جابه‌جایی‌های خاص با هدایت سرویس‌های اطلاعاتی خارجی اتفاق جدیدی نیست.پس از فتنه آمریکایی- صهیونیستی در سال ۸۸، وب‌سایت روز آنلاین متعلق به خانواده سلطنتی هلند به انگلیس واگذار شد، در آن زمان بسیاری از کارکنان این روزنامه الکترونیکی به لندن منتقل شده و به کادر خبری بی‌بی‌سی فارسی اضافه شدند.

وب‌سایت جرس نیز که مواضع فتنه‌گران را منتشر می‌کرد چنین سرنوشتی یافته و پس از مدتی از کار افتاد! پیش از این ماشاءالله شمس‌الواعظین سردبیر روزنامه‌های زنجیره‌ای در دوره اصلاحات درباره شبکه‌های ضدانقلاب گفته بود که آن‌ها لجن‌پراکنی کرده و مدتی بعد چون دستمال کاغذی توسط صاحبان آن به سطل اشغال سیاست فرستاده می‌شوند، در این ماجرا آسیاب به نوبت است!

سرکار خانم زهرا مصطفوی:

آیت‌الله خامنه‌ای آرمان فلسطین را مطابق خط و نگاه امام(ره) تا تحقق آن با جدیت و قویاً دنبال کرده‌اند

رسانه KHAMENEI.IR به مناسبت عملیات افتخارآمیز طوفان‌الاقصی در گفت‌وگو با سرکار خانم زهرا مصطفوی، صبیه محترم حضرت امام خمینی(ره)، رئیس هیئت امنای جمعیت دفاع از ملت فلسطین و دبیرکل اتحادیه بین‌المللی سازمان‌های غیردولتی حامی فلسطین، ضمن بررسی جایگاه آرمان فلسطین در تفکر حضرت امام خمینی(ره)، نگاهی به تحولات اخیر فلسطین و وضعیت جریان مقاومت داشته است.

***

در ابتدای بحث به عنوان فرزند بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام خمینی رحمهُ‌الله و به‌عنوان کسی که سال‌ها در حوزه حمایت از فلسطین فعالیت کرده‌اید از جایگاه آرمان فلسطین در تفکر بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی برای ما بگویید.

فلسطین در منظومه فکری امام خمینی رحمةالله از جایگاه رفیعی برخوردار بود. در واقع امام نفسِ مسیحایی بود که در کالبد امت اسلامی و فلسطینیانِ مأیوس شده از رهایی، دمیده شد. لذا ایشان موضوع مبارزه با رژیم صهیونیستی را در کنار مبارزه با آمریکا و رژیم پهلوی در دستورکار نهضت اسلامی خویش قرار داد. چرا که آموزه‌های اسلامی تأکید دارد که باید در کنار مظلوم بود و علیه ظالم اقدام کرد؛ کونا للظّالم خصماً و للمظلوم عوناً.

در واقع ذات حقجوی تفکر اسلامی اجازه نداده است تا انسان مؤمن نسبت به ظلم و ظالم و نسبت به عدالت ربوده شده از مظلوم، ساکت باشد. بر این اساس مبارزه با رژیم غاصب اسرائیل که مصداقی از یک ظالم است نمی‌تواند در منظومه فکری امام خمینی رحمةالله جایی نداشته باشد. در واقع اندیشه امام، فراتر از چارچوب ملّی سیر می‌کند و از همان شروع نهضت، انقلاب اسلامی را آغازی برای شکل دادن به یک نهضت فراگیر جهانی برای دفع ظلم و استقرار عدالت در نظر گرفتند. لذا تلاش برای بسیج توده‌های مردم در جهان برای توجه به قضیه فلسطین و حمایت از ملت مظلوم آن به عنوان یک اولویت در منظومه فکری ایشان مطرح بود.

حضرت امام رحمهُ‌الله چگونه آرمان فلسطین را به مسئله اول دنیای اسلام تبدیل کردند؟

در اسلام جهاد یک تکلیف است بر همه آحاد جامعه و وکالت دادنی نیست. پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، جامعه فلسطین ۳۰ سال تکلیف مبارزه و آزادسازی وطن را به گروه‌های فلسطینی و دولت‌های عربی، وکالت داده بودند و خود منتظر بودند تا دیگران تکلیف آنان را انجام دهند. اما جوامع اسلامی عموماً و جوامع عربی به‌طور خاص مقهور رشد مادی و توانمندی‌های نظامی و اقتصادی و سیاسی غرب شده بودند و با توجه به حمایت‌هایی که رژیم غاصب صهیونیستی از غرب دریافت می‌کرد، هیچ بارقه‌ای از امید به امکان توفیق و پیروزی بر این رژیم اشغالگر را حتی تصور نمی‌کردند.

گروه‌های فلسطینی نیز که امپریالیسم غربی را پشتیبان صهیونیست‌ها می‌دیدند، به اردوگاه مقابل یعنی جریان چپ ایدئولوژیکی یا همان مارکسیسم و کمونیسم گرایش یافتند- زیرا بر این تصور بودند این دو اردوگاه رقیب یکدیگرند و لذا با گرایش به تفکرات چپ مبارزات خود را برنامه‌ریزی کرده بودند- اما آنها هم امیدی به پیروزی نداشتند و مبارزات خود که از آن با عنوان انقلاب ملت فلسطین یاد می‌کردند را صرفاً با هدف ضربه‌زدن به دشمن و ابراز اینکه آنها هم به عنوان یک بازیگر در این معادله حضور دارند، دنبال می‌کردند.اما ناکامی کشورهای عربی و گرایش بیشتر آنها به غرب این گروه‌ها را هم مأیوس کرده بود و تقریباً همه تسلیم شده بودند. در چنین شرایطی بود که انقلاب اسلامی پیروز شد و فوراً برخی اقدامات چون تعطیلی سفارت رژیم غاصب اسرائیل در تهران و تبدیل آن به نخستین سفارت فلسطین در جهان و نیز طرح شعار راهبردی «امروز ایران، فردا فلسطین» جوامع منطقه و جامعه فلسطین را تحریک کرد و این امید را ایجاد کرد که باید یک مؤلفه دیگری را وارد این معادله کرد و آن «مردم و تکلیف دینی» بود. یعنی مردم فلسطین فهمیدند ۳ دهه به اشتباه تکلیفی که برعهده آنان بوده را به دیگران وکالت داده‌اند و به این ترتیب آزادسازی وطن را به تأخیر انداخته‌اند.

امام خمینی رحمةالله پس از تشکیل نظام اسلامی در گام اول با اعلام آخرین جمعه ماه مبارک رمضان به عنوان «روز جهانی قدس» عملاً قضیه اشغال فلسطین و قدس شریف را از حاشیه به متن زندگی دینی مسلمانان آورد. اقدامی که اجازه نداد تا جوامع اسلامی فلسطین را فراموش کنند. اقدام دیگر امام، فرمان تشکیل سپاه نهضت‌ها بود که بعدها به عنوان «نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» با مأموریت مشخص تلاش برای «آزادی فلسطین» و «حذف رژیم غاصب اسرائیل از صفحه روزگار» به نیروهای نظامی ایران اضافه شد.

این دو اقدام مهم در کنار اقدامات دیگر سیاسی و فرهنگی عملاً فلسطین را در صدر اولویت‌های جهان اسلام قرار داد.

امتداد این تفکر ناب امام رحمهُ‌الله تا امروز در جمهوری اسلامی ایران چگونه بوده است؟

همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، فلسطین در منظومه فکری امام یک اهمیت تکلیفی دارد و انقلاب اسلامی و نظام اسلامی برآمده از این تفکر این اولویت را مورد اهتمام خود قرار داده است و امام با اقداماتی چون روز جهانی قدس و تشکیل نیروی قدس و...، پیگیری این اولویت را در جامعه اسلامی ساختارمند کرده است.

**شدن به آرمان‌های آزادی قدس و تحقق نابودی رژیم صهیونیستی دار